



PROJECT MUSE®

Persian in use

Sedighi, Anousha

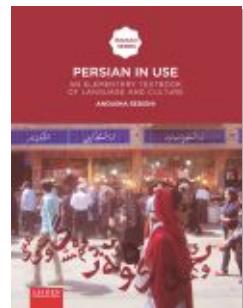
Published by Leiden University Press

Sedighi, A..

Persian in use: An Elementary Textbook of Language and Culture.

Leiden University Press, 0.

Project MUSE., <https://muse.jhu.edu/>.



➔ For additional information about this book

<https://muse.jhu.edu/book/46336>

جغرافی و آب و هوای ایران

Geography & Weather



Communication Objectives

Talking about Iran's Geography: Cities, Provinces, Mountains, Seas, Neighbors, etc.

Talking about Past Events

Talking about Past Events that Happened in a Time-frame

Expressing Opinions

Making Comparisons

Talking about the Weather and the Seasons

Contents

Interactive Dialogue 1: Shiraz is More Beautiful than Tehran!

Interactive Dialogue 2: Good Old Days!

In-class Reading 1: Parsa Family's Trip

Let's Learn More: Adverbs of Time

Grammar 1: Simple Past Tense

Grammar 2: Past Continuous Tense

Let's Learn More: Geography-related Words

Directions & Continents

In-class Reading 2: The Country of Iran

Let's Learn More: Seasons

Weather

Grammar 3: Comparative Adjectives

Grammar 4: Superlative Adjectives

Let's Learn More: Extended Family

Reading from a Novel: دایی جان ناپلئون by Iraj Pezeshkzad

Review Corner

Poem: درآمد by Hamid Mossadegh

Song: دو ماهی (Singer: Googoosh)

Cultural Note: Iran's Ancient Sites

Proverb

Thematic Review of New Vocabulary



وازگان ۱

You liked	دوست داشتی (دار)	Tomb	آرامگاه
I saw	دیدم (بین)	Man/Dude (Slang)	بابا
You saw	دیدی (بین)	Tell me so that I see	بگو ببینم
Famous Persian poet	سعدي	In my opinion	به نظر من
I fell in love with ...	عاشق شدم (شو)	More	بیشتر
Month/Moon	ماه	Summer	تابستان / تابستون
I used to think	فکر می کردم	Entire/All	تمام / تاموم
More beautiful	قشنگ تر	What's up?	چه خبر؟
The most beautiful	قشنگ ترین	What did you do?	چه کار کردی / چی کار کردی؟
You stayed	ماندی / موندی (مان)	Famous Persian poet	حافظ
You were missed	جایت خالی / جات خالی	Good for you	خوش به حالت / خوش به حالت
		Had a good time	خوش گذشت (گذر)

Close your book and listen to the dialogue. Then fill in the blanks using the new words.

گفتگو ۱



بیتا: چه خبر؟ بگو ببینم ————— چی کار کردی؟

مریم: جات خالی، تابستان رفتم ایران. خیلی عالی بود!

بیتا: خوش به حالت! چند وقت ایران موندی؟

مریم: سه ماه. خیلی بهم خوش گذشت. تهران^۱ و اصفهان و شیراز رو دیدم.

بیتا: کدام شهر رو بیشتر دوست داشتی؟

مریم: عاشق شیراز شدم. به نظر من ————— شهر ایرانه!

بیتا: آرامگاه «سعدي» و «حافظ» رو هم —————؟

مریم: آره، تاموم شهر رو دیدم!

بیتا: پس به نظر تو شیراز از تهران قشنگ تره؟ من فکر می کردم

تهران قشنگ تره!

مریم: نه بابا!



Prepositions in spoken form:

به من ← بهم

با من ← باهام

از من ← ازم

برای من ← برام

¹ تهران is sometimes changed to تهرُون in spoken form.

نوشتاری

گفتگو ۱

بیتا: بگو ببینم تابستان **چه** کار کردی؟

مریم: جایت خالی، به ایران رفتم. خیلی عالی بود!

بیتا: خوش به حالت! چند **در** وقت ایران _____؟

مریم: سه ماه. خیلی **به من** خوش گذشت. تهران و اصفهان و شیراز را دیدم.

بیتا: کدام شهر را بیشتر دوست داشتی؟

مریم: عاشق شیراز شدم. قشنگ‌ترین شهر ایران **است**!

بیتا: آرامگاه «سعده» و «حافظ» را هم دیدی؟

مریم: **بله**، شهر را دیدم!

بیتا: پس به نظر تو شیراز از تهران **قشنگ‌تر است**? من فکر می‌کرم تهران **قشنگ‌تر است**!

مریم: نه **خیر**!

تمرین ۱

به نظرِ من : Talk with your classmate about what you did last summer. Express your opinion by using : **بـه نظرِ من** or **فـکر مـیـ کـنم**. Take some notes about your conversation so that you can report it to the class.

وازگان ۲

آن وقتهای / اون وقتهای	عماو	Those times/days	عـمـهـ
بودم	I was	I was	Paternal aunt
بودی	You were	You were	Extended family
پریروز	The day before yesterday	The day before yesterday	Grandmother
پسرخاله	Maternal aunt's son	Maternal aunt's son	می خنديديم (خند)
پسرعـمـهـ	Paternal aunt's son	Paternal aunt's son	می گـفـتـیـمـ (گـوـیـ)
تنـهاـ	Lonely	Lonely	Near each other
حالـاـ	Now	Now	Really
حالـهـ	Maternal aunt	Maternal aunt	When (in declarative sentence)
دـایـ	Maternal uncle	Maternal uncle	Each one/Anyone
دـخـترـخـالـهـ	Maternal aunt's daughter	Maternal aunt's daughter	Good old days
دورـهـمـ جـمـعـ مـیـ شـدـیـمـ (شـوـ)	We used to get together	We used to get together	

Close your book and listen to the dialogue. Then fill in the blanks using the new words.



گفتگو ۲



کامران: سلام! پریروز کجا بودی؟

آرش: شمال بودم. خونه‌ی ——— بودم.

کامران: چه خوب! چطور بودن؟

آرش: خوب، ولی خیلی تنها هستن.

کامران: وقتی بچه بودیم، هر جمیع خونه‌ی مادر بزرگ جمع می‌شدیم.

آرش: آره، عمه، عمو، خاله، دایی، پسرعمو، دخترعمو، پسرخاله، دخترخاله، تمام فامیل بودن!

کامران: آره، همیشه دورهم جمع می‌شدیم، می‌گفتیم و ———.

آرش: ولی حالا هر کسی تو یه شهری زندگی می‌کنه.

کامران: آره، اون وقتا همه نزدیک هم زندگی می‌کردیم.

آرش: واقعاً ———!

نوشتاری

گفتگو ۲

کامران: سلام! ——— کجا بودی؟

آرش: شمال بودم. خانه‌ی مادر بزرگ بودم.

کامران: چه خوب! چطور بودند؟

آرش: خوب ولی خیلی ——— هستند.

کامران: وقتی بچه بودیم، هر جمیع خانه‌ی مادر بزرگ جمع می‌شدیم.

آرش: بله، عمه، عمو، خاله، دایی، پسرعمو، دخترعمو، پسرخاله، دخترخاله، تمام ——— بودند.

کامران: بله، همیشه دورهم جمع می‌شدیم، می‌گفتیم و می‌خندیدیم.

آرش: ولی حالا هر کسی در یک شهر زندگی می‌کند.

کامران: بله، آن وقت‌ها همه نزدیک هم زندگی می‌کردیم.

آرش: واقعاً یادش به خیر!

تمرین ۲

Role-play the above dialogue with your classmate.



تمرین ۳

Find six words that are different in written and spoken forms and write them below.

Spoken	← Written	Spoken	← Written



خواندن



رامسر

مسافرتِ خانواده‌ی پارسا

ماهِ گذشته خانواده‌ی پارسا سه هفته تعطیل بودند. آنها دو هفته به مسافرت رفتند. دخترانشان بیتا و پریسا با آنها به مسافرت نرفتند چون آنها در آمریکا زندگی می‌کنند. خانواده‌ی پارسا اول به شهر «رامسر» رفتند. خانم پارسا برای اولین بار «دریای خَزَر» را می‌دید. بعد به شهر «رشت» رفتند. آقای پارسا قبلًا در آنجا زندگی می‌کرد. بعد به شهر «تبریز» رفتند. خانم پارسا تبریز را خیلی دوست دارد چون وقتی بچه بود با خانواده‌اش در آن شهر زندگی می‌کردند. پدربزرگ و مادربزرگ خانم پارسا هنوز هم در تبریز زندگی می‌کنند.

Previously	قبلًا	Suffix to count how-many times	بار
Past/Previous	گُذشته	They were	بودند
Travel/trip	مسافِرت	Next/Afterwards/Then	بعد
S/he used to/would see	می‌دید	Off/Not working	تعطیل
They did not go	نَرَفْتند	Caspian Sea	دریای خَزَر
When (in declarative sentences)	وقتی	They went	رفتند
		S/he used to live	زندگی می‌کرد

Synonyms		
حالا = آلان	مسافِرت = سَفَر	مادربزرگ = مامان بزرگ
	گُذشته = پیش	پدربزرگ = بابا بزرگ



تمرین ۴

a) Listen to the audio file and follow along in your text. Repeat each sentence several times.

b) Answer in complete sentences. Use the written form.

۱. خانواده‌ی پارسا به چه شهرهایی مسافرت کردند؟
۲. آقای پارسا قبلًا در کجا زندگی می‌کرد؟
۳. خانم پارسا چه شهری را دوست دارد و چرا؟
۴. وقتی شما بچه بودید، در کجا زندگی می‌کردید؟
۵. آیا آن شهر را دارید؟ چرا؟



تمرین ۵ واژگان

Fill in the blanks using the appropriate vocabulary from the list below.

آرامگاه – گذشته – دیشب – زندگی می‌کرد – تعطیل – اولین – جایتان خالی – عمه – عاشق

۱. ماه _____ رفتم ایران. خیلی عالی بود!
۲. سعدی و حافظ را هم دیدی؟
۳. من در ایران _____ شیراز شدم.
۴. تابستان رفتم ایران. خیلی عالی بود.
۵. چه خبر؟ _____ کجا بودی؟
۶. هما برای _____ بار دریای خزر را می‌دید.
۷. ماه پیش هما و همسرش سه هفته _____ بودند.
۸. وقتی هما بجه بود، با خانواده اش در آنجا _____.

بیشتر بدانیم

Adverbs of Time

Two nights before last	پس پریش	Two days before yesterday	پس پریروز
The night before last	پریش	The day before yesterday	پریروز
Last night	دیشب	Yesterday	دیروز
Tonight	امشب	Today	امروز
Tomorrow night	فردا شب	Tomorrow	فردا
The night after tomorrow night	پس فردا شب	The day after tomorrow	پس فردا

تمرین ۶

Fill in the blanks using adverbs of time:

۱. امروز شنبه است. _____ چهارشنبه بود.
۲. فردا شب چهارشنبه است. پس فردا شب _____ است.
۳. پریروز جمعه بود. فردا _____ است.
۴. پس فردا یک شنبه است. _____ پنج شنبه بود.

دستور زبان ا

گذشته‌ی ساده SIMPLE PAST TENSE

The usage of the simple past tense in English and Persian is almost the same. It indicates an action or state that occurred once and was completed in the past:

من دیروز مینا را دیدم.
I saw Mina yesterday.

من دیروز در تهران بودم.
I was in Tehran yesterday.

To form the Simple Past Tense:

- 1) Drop /-an/ from the end of the infinitive to obtain the past stem. The past stem is always regular with no exceptions. Examples:

Past Stem	Infinitive
خندید	← خندیدن
درسخواند	← درسخواندن

- 2) Add the appropriate verb ending of the past tense as shown below. **The third person singular form takes no personal ending in the past tense.**

خندیدن			
من	من	ما	خندیدم
تو	خندیدی	شما	خندیدیم
او	خندیدند	آنها	خندید

Stress remains constant on the final syllable of the past stem (khandídam).

درس خواندن

من	من	ما	درس خواندم
تو	درس خواندی	شما	درس خواندید
او	درس خواندند	آنها	درس خواند

In compound verbs, the final syllable of the non-verbal component carries stress (dárs khāndam).

NEGATION

To negate the simple past tense, add the stressed /na/ ن prefix to the beginning of the verb (ná khandid-am).

خندیدن

من	من	ما	نخندیدم
تو	نخندیدی	شما	نخندیدید
او	نخندیدند	آنها	نخندید



For compound verbs, add the stressed /na/ نـ prefix to the last component of the compound verb.

درس خواندن

درس نـخواندیم	ما	درس نـخواندم	من
درس نـخواندید	شما	درس نـخواندی	تو
درس نـخوانند	آنها	درس نـخواند	او

Writing and Pronunciation

1) If the past stem begins with any vowel other than /i/, a /y/ is inserted. In Examples 2 and 3 the initial alef is dropped:

S/he/it did not come	۱. آمد ← نـیامد
S/he/it did not drop	۲. آنداخت ← نـینداخت
S/he/it did not fall	۳. افتاد ← نـیفتاد

OTHER USAGE OF THE SIMPLE PAST TENSE

In Persian, the simple past tense can be used for actions that are about to occur but have not occurred yet:

رفتم / I am gone/I am out of here.

آمدم / او مدم / I am coming/Be there in a sec.



تمرین ۷

With a classmate, practice reading the conjugations of the simple past tense. Take turns and listen to each other's reading.



تمرین ۸

Write the personal endings of the past tense in the following table.

	1 st Person Plural		1 st Person Singular
	2 nd Person Plural		2 nd Person Singular
	3 rd Person Plural		3 rd Person Singular



تمرین ۹

Conjugate in the simple past tense:

۱. من پنج سال در ایران _____ (زندگی کردن)

۲. پس پریروز پسر عمومیم خیلی دیر به خانه‌ی ما _____ (آمدن)

۳. دیشب تمام فامیل دور هم _____ (جمع شدن)

۴. دختر خاله‌ام سه ساعت در سوپرمارکت _____ (ماندن)

۵. ماه گذشته ما سه هفته تعطیل _____ (بودن)

۶. ببخشید، کارم خیلی _____ (طول کشیدن)

۷. دیروز کلاس تو ساعت سه _____ ؟ (تمام شدن)

۸. پس پریروز چند تا کلاس _____ ؟ (داشتن)

تمرین ۱۰

Change the verbs into the simple past tense. Change the adverbs of time to match the tense of the verb. Work in pairs, groups, or as a class. Example:

Student 1 (*book open*): هما امروز چطور است؟

Student 2: (*book closed*): هما دیروز چطور بود؟

Group 2	Group 1
۱. تو کی به مسافرت می‌روی؟	۱. کدام شهر را بیشتر دوست دارید؟
۲. شما چند روز تعطیلید؟	۲. به چند شهر مسافرت می‌کنی؟
۳. امروز چند تا کلاس داری؟	۳. من فردا تعطیلیم.
۴. فردا برنامه‌ات چیست؟	۴. مینا پس فردا شب کار می‌کند؟
۵. ما شنبه شب دور هم جمع می‌شویم.	۵. فردا تمام روز درس می‌خوانم!



تمرین ۱۱

Write a paragraph about what you did yesterday based on the following images. Use the written form.

دیروز چه کار کردی؟

۱



۲



۳



۴



۵



گُذشته‌ی استمراری PAST CONTINUOUS TENSE

The past continuous (or habitual past tense) is used in the following situations:

- For actions that took place habitually or repeatedly in the past.

وقتی بچه بودم، هر هفته به خانه‌ی پدربرگ و مادر بزرگم می‌رفتم.

When I was a child, I used to go to my grandparents' house every week.

- For actions that took place at a certain time or a period of time:

دیروز ساعت ده نامه می‌نوشتم.

پارسال در کتابفروشی کار می‌کردم.

To form the Past Continuous Tense:

- Conjugate the verb in the simple past tense.

- Add the prefix می. The prefix carries stress (mí-khandid-am).

خنیدن

می خنیدیم	ما	می خنیدم	من
می خنیدید	شما	می خنیدید	تو
می خنیدند	آنها	می خنیدند	او

In compound verbs, the prefix می is inserted between the two parts of the compound verb.

درس خواندن

درس می خواندیم	ما	درس می خواندم	من
درس می خواندید	شما	درس می خواندید	تو
درس می خوانندند	آنها	درس می خوانندند	او

In compound verbs, the final syllable of the non-verbal component carries primary stress (dárs mikhānd-am).



NEGATION

To negate the past continuous tense, add the stressed **نـ** prefix to the beginning of the continuous prefix (ex: **némikhandidam**).

خندیدن			
نـمـی خندیدم	ما	نـمـی خندیدم	من
نـمـی خندید	شما	نـمـی خندیدی	تو
نـمـی خندیدند	آنها	نـمـی خندید	او

In compound verbs, the negative prefix takes primary stress and secondary stress falls on the non-verbal component (ex: **dàrs némikhāndam**).

درس خواندن			
درس نـمـی خواندیم	ما	درس نـمـی خواندم	من
درس نـمـی خواندی	شما	درس نـمـی خواندی	تو
درس نـمـی خوانند	آنها	درس نـمـی خواند	او

Exceptions:

The verbs **داشتـن** and **بودـن** do not take **مـی** in contemporary usage (in both written and spoken forms). Hence, they have the same form as the simple past tense². Examples:

When I was a child, I used to be there every day.

۱. وقتی بچه بودم، هر روز آنجا بودم.

When I was a child, I used to have three cats.

۲. وقتی بچه بودم، سه تا گربه داشتم.

In archaic form, the **مـی** prefix was added to the above verbs.

OTHER USAGE OF THE PAST CONTINUOUS TENSE

Sometimes the past continuous tense is used to show other tenses (often with stative verbs).

Examples:

Excuse me, I want a red bag. (*at the store*)

۱. ببخشید، یه کیف قرمز **مـی** خواستم.

I could see her/him through the window.

۲. از پنجره او را **مـی** دیدم.



With a classmate, practice reading the conjugations of the past continuous tense. Take turns and listen to each other's reading.

2. Some compound verbs that contain the verb **(برداشتـن)** (داشتـن) are an exception and require the **مـی** prefix.



تمرین ۱۳

Conjugate the following verbs in the past continuous tense:

۱. من همیشه بیتا را در مرکز خرید (دیدن) _____
۲. او هر روز بچه‌ها را برای مدرسه (آماده کردن) _____
۳. وقتی علی بچه بود، با پسرعموهایش (دورهم جمع شدن) _____
۴. ترم پیش را بر (درس خواندن) _____
۵. وقتی بچه بودیم، در تاجیکستان (زندگی کردن) _____
۶. وقتی دانشجو بودم، زیاد پول (داشتن) ? _____

تمرین ۱۴

Translate into Persian. Use the written form.

1. I used to study physics.
2. She did not know Persian.
3. I used to go to the university on Saturdays.
4. My parents watched that film.
5. They did not read Hafez's book.
6. Last night, my cousin returned home late.
7. When I was a child I used to like pizza a lot.

تمرین ۱۵

Write a story for the following image. Use at least seven verbs that are in the simple past or past continuous tense. Use the reading text at the beginning of the lesson as a model.





تمرين ١٦

Form groups of three. Change the verbs into the simple past tense and then into the past continuous tense. Switch roles after each sentence. Example:

Student 1 (*book open*): من درس می خوانم.

Student 2 (*book closed*): من درس خواندم.

Student 3 (*book closed*): من درس می خواندم.

١. پسرخاله هایم همیشه با قطار به مسافت می روند.
٢. من یک فرش ابریشم می خواهم.
٣. تو امروز چند تا کلاس داری؟
٤. ما در شمال دور هم جمع می شویم.
٥. شیراز قشنگترین شهر ایران است.
٦. تو کجا زندگی می کنی؟

بیشتر بدانیم

جغرافی Geography-related Words

River	رود	Province	أُستان
Peak	قلّه	Capital city	پایتخت
Country	کشور	Population	جمعیّت
Desert	کویر	Gulf	خَلِيج
Provincial capital	مرکز أُستان	Sea	دریا
Map	نقشه	Lake	دریاچه
Neighbor(s)	همسایه - همسایگان	Mountain range	رشته کوه

قاره‌ها Continents

Asia	آسیا
Africa	آفریقا
America	آمریکا
Europe	אירופה
Australia	استرالیا
Antarctica	قطب جنوب

جهات ها Directions

South East	جنوب شرقی	South	جنوب
South West	جنوب غربی	North	شمال
North East	شمال شرقی	East	شرق
North West	شمال غربی	West	غرب



خواندن ۲

کشور ایران

کشور ایران در غرب آسیا است. پایتخت کشور ایران تهران است. ایران دو رشته کوه بزرگ دارد. رشته کوه‌های ایران «البَرْزَ» و «زاگرس» هستند. دریای خزر در شمال ایران است. در جنوب ایران «خَلِيج فارس» و «دریای عُمان» قرار دارد. رود بزرگ ایران «کارون» است. همسایگان شمالی ایران آرمَنستان، تُركمَنستان و آذربایجان هستند. همسایگان شرقی ایران افغانستان و پاکستان هستند. همسایگان غربی ایران تُرکیه و عراق هستند.

تمرین ۱۷

a) Listen to the audio file and follow along in your text. Repeat each sentence several times.

b) Answer in complete sentences. Use the written form.

۱. نام رشته کوه‌های ایران چیست؟

۲. در جنوب ایران چه چیزی قرار دارد؟

۳. رود بزرگ ایران چه نام دارد؟

۴. همسایگان شرقی و غربی ایران را نام ببرید.

تمرین ۱۸

به نقشه‌ی کشور ایران نگاه کنید. پایتخت را پیدا کنید. دریای خزر^۳، دریاچه‌ی ارومیه، خلیج فارس و دریای عمان را پیدا کنید. همسایگان ایران را روی نقشه پیدا کنید:



3. دریای خزر is technically not a sea as it is not connected to any oceans. However, since it is the largest lake on earth, it is referred to as a sea.




تمرین ۱۹

Prepare some questions to ask your classmate about Iran's neighboring countries. Example:

۱. افغانستان در کجای ایران قرار دارد؟

۲. نام همسایگان شمالی ایران چیست؟



تمرین ۲۰

Write the names of the continents on the following map. If a continent has two parts, mention them both.




فصل‌ها Seasons



تابستان / تابستان



بهار



زمستان / زمستون



پاییز



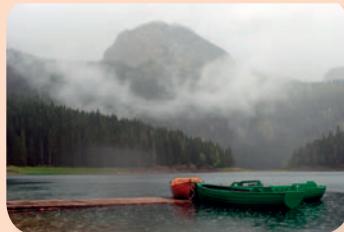
آب و هوا Weather

Answer			Question
است / ه			هوا چطور است / ه؟
است / ه	Sunny	آفتابی	
	Cloudy	آبری	
	Rainy	بارانی / بارونی	
	Snowy	برفی	
	Mild	مُلایم	
	Cold	سَرد	
	Warm/Hot	گَرم	

Short Dialogues about Weather



۱. در پاییز هوا چطور است؟ در پاییز هوا ملایم است.
۲. هوای تابستان چطور است؟ هوای تابستان گرم است.



۳. هوای آنجا چطور است؟ هوای آنجا سرد است.
۴. هوای شمال چطور است؟ اینجا هوای بارانی است.



۵. هوای شیراز چطور است؟ هوای اینجا خوب و آفتابی است.
۶. فردا هوای چطور است؟ فردا هوای برفی است.



تمرين ۲۱

Interview your classmate about what kind of weather s/he likes and dislikes. Write down your findings in the form of a report.

تمرين ۲۲

Look at the following information. What is tomorrow's forecast for Kermanshah? What time are sunrise and sunset today? What are the words for Minimum and Maximum?

وضعیت آب و هوای شهر کرمانشاه (۵:۲۹ بامداد)	
فردا	امروز
وضعیت: نیمه ابری	آخرین بروز رسانی: ۱۳۹۱/۱۱/۲۴
کمینه: -۱°	وضعیت: تمام ابری
بیشینه: -۱۳°	سرعت باد: کیلومتر در ساعت ۱۱.۲۷
	رطوبت: ۵۰٪
	طلع آفتاب: ۷:۳۰ بامداد
	غروب آفتاب: ۶:۰۰ بعد از ظهر
	کمینه: -۲°
	بیشینه: ۱۵°

تمرين ۲۳

Listen to the audio file and answer using complete sentences:



۱. جزیره‌ی کیش در کجا قرار دارد؟

۲. آب و هوای جزیره‌ی کیش در زمستان چگونه است؟

۳. جزیره‌ی کیش به چه نامی مشهور است؟

۴. آیا در کشور شما جزیره‌ای مثل جزیره‌ی کیش هست؟

تمرين ۲۴

With a classmate, check your local forecast for today, tomorrow, and the day after tomorrow. Find the Minimum and Maximum temperatures for each day. Write down your findings in Persian.



تمرين ۲۵

Look at the following information. Which province has the lowest temperature? Which province has the highest temperature? What is the forecast like in Semnān? Which province is divided into three parts? What are they?

بیشینه / کمینه	پیش بینی وضع هوای شنبه	استان
۱۲ ۲۲	نیمه ابری - در پاره‌ای نقاط رگبار و رعد و برق	خراسان شمالی
۱۱ ۲۶	قسمتی ابری تا نیمه ابری - گاهی افزایش ابر در پاره‌ای نقاط رگبار و رعد و برق یا بارش پرآکنده	خراسان مرکزی
۸ ۲۴	کمی ابری - در پاره‌ای نقاط نیمه ابری و بارش پرآکنده	خراسان جنوبی
۱۷ ۳۲	کمی ابری - گاهی وزش باد	خوزستان
۴ ۲۱	کمی ابری تا نیمه ابری همراه با بارش پرآکنده	زنجان
۱۵ ۲۱	قسمتی ابری تا نیمه ابری - گاهی افزایش ابر در پاره‌ای نقاط رگبار و رعد و برق	سمنان
۱۲ ۳۰	کمی ابری - در پاره‌ای نقاط نیمه ابری - در بعضی ساعات رگبار و رعد و برق و وزش باد	سیستان و بلوچستان
۹ ۲۳	قسمتی ابری - در شهرهای شمالی نیمه ابری در بعضی ساعات رگبار و رعد و برق و وزش باد - اوایل شب قسمتی ابری	فارس
۸ ۲۴	قسمتی ابری تا نیمه ابری - گاهی افزایش ابر در پاره‌ای نقاط رگبار و رعد و برق یا بارش باران پرآکنده	قزوین

تمرين ۲۶

With a classmate, answer the following questions using the written form. Search online to find the answers.

۱. مرکز استان گیلان چه نام دارد؟
۲. تهران در کجای ایران قرار دارد؟
۳. همسایگان غربی ایران چه کشورهایی هستند؟
۴. کشور ایران چند استان دارد؟

دستور زبان ۳



صفت برق

The comparative adjective is formed by adding the stressed suffix تر to the adjective. The suffix may be written attached or separate from the adjective.

قشنگ ← قشنگ تر	زیبا ← زیباتر
خسته ← خسته تر	بد ← بدتر

Exceptions:

The following two adjectives have a regular and an irregular comparative form. The irregular form is used more often.

	Irregular Comparative	Regular Comparative	Adjective
Better	بهر	خوب تر	← Good خوب
More	بیشتر	زیاد تر	← Much/A lot زیاد

In a sentence with a comparative adjective, the preposition از is used like the English “than”. Examples:

I am older than my sister.	۱. من از خواهرم بزرگ تر هستم.
Is Shiraz more beautiful than Tehran?	۲. شیراز از تهران قشنگ تر است؟

The comparative adjective can precede the noun as in Examples 3 and 4:

۳. من بزرگ تر از خواهرم هستم.
۴. شیراز قشنگ تر از تهران است؟

The comparative adjective is treated as a normal adjective, i.e. it follows the noun (as in 5). The comparative adjective can also follow a noun with Ezāfe and the non-specific suffix /i/ (as in 6), or a possessive pronoun (as in 7).

Ezāfe	I bought the more expensive book.	۵. من کتاب گران تر را خریدم.
Non-specific suffix	I bought a more expensive book.	۶. من کتاب گران تری خریدم.
Possessive pronoun	My younger sister is sick.	۷. خواهر کوچک تر مريض است.



تمرين ۲۷

Put the following words in the right order:

۱. دختر خاله‌ی من – است – باهوش‌تر – از – من
۲. قاره‌ی آمریکا – از – قاره‌ی اروپا – است – شلوغ‌تر
۳. دیروز – حالم – بد – بود – امروز – خیلی – ولی – شدم – بهتر
۴. وقتی – آنها – در آفریقا – زندگی می‌کردند – بودند – راحت‌تر – خیلی
۵. است – زندگی در آسیا – از – زندگی در اروپا – ارزان‌تر
۶. بزرگ‌تر – است – تهران – رامسر – از
۷. زیاد‌تر – جمعیت تهران – از – جمعیت همدان – است

تمرين ۲۸

Form comparative sentences by adding the words in parentheses to the sentence. Example:

جنوبِ ایران گرم است. (از شمالِ ایران) ← جنوبِ ایران از شمالِ ایران گرم‌تر است.

۱. هوای اینجا بارانی است. (از هوای آنجا)
۲. جمعیت آمریکا زیاد است. (از جمعیت فقطِ جنوب)
۳. شمالِ کشور برفی است. (از جنوبِ کشور)
۴. عمومی من جوان نیست. (از پدرم)
۵. مسافرت با هواپیما خوب است. (از مسافرت با قطار)
۶. من خاله‌ام را کم دوست دارم. (از عمه‌ام)

تمرين ۲۹

a) Change into written form:



۱. تابستان چی کار کردی؟
۲. آره، تموم شهر رو دیدم!

b) Change into spoken form:

۱. آن وقت‌ها همه نزدیک هم زندگی می‌کردیم.
۲. هما تبریز را خیلی دوست دارد.



SUPERLATIVE ADJECTIVE صفت بَرْتَرين

The superlative adjective is formed by adding the stressed suffix تَرين to the adjective. The suffix may be written attached or separate from the adjective. Examples:

قشنگ ← قشنگتر – قشنگترین	زیبا ← زیباترین
بد ← بدترین	خسته ← خستهترین

Exceptions:

The following two adjectives have a regular and an irregular superlative form. The irregular form is more common.

	Irregular Superlative	Regular Superlative	Adjective
Best	بِهْتَرين	خوبترین	← Good خوب
Most	بِيشْتَرين	زيادترین	← Much/A lot زياد

The word order for the superlative adjectives is the same as in English, i.e. the superlative adjective precedes the noun and does not require Ezāfe:

Esfahan is the most beautiful city in Iran.	اصفهان، زیباترین شهر ایران است.
This is the easiest lesson.	این، آسانترین درس است.

The English phrase “*most of*” is usually translated as بیشتر. Example:

من بیشتر وقت‌ها کار می‌کنم. I work most of the time.

Another Variant of the Superlative:

SUPERLATIVE ← از همه + COMPARATIVE

Example:

مینا از همه زیباتر است.

مینا زیباتر از همه است.

Mina is more beautiful than all/Mina is the most beautiful.

تمرین ۳۰

Follow the order in the above examples and translate the sentences on the next page into Persian:

1. Tehran is the largest city in Iran.



2. In my opinion, winter is the worst season.
3. She is my youngest paternal aunt.
4. Europe is not the biggest continent.
5. When I was a child, I had the best teacher.
6. I do not want to have the most expensive computer.

تمرین ۳۱

Circle the appropriate adjective:

۱. دریای خزر _____ دریاچه است. (بزرگ‌تر - بزرگ‌ترین)

۲. من _____ فرزند خانواده نیستم. (کوچک‌تر - کوچک‌ترین)

۳. زندگی در تهران از زندگی در مشهد _____ است. (گران‌تر - گران‌ترین)

۴. جمعه _____ روز هفته است. (آخر - آخرين)

۵. فصل زمستان از فصل پاییز _____ است. (سردتر - سردترین)

۶. خانم شریفی _____ استاد ما هستند. (جوان‌تر - جوان‌ترین)

۷. شهر ایران کدام شهر است؟ (بارانی‌تر - بارانی‌ترین)

تمرین ۳۲

Change to a superlative adjective. Work in pairs, groups, or as a class. Example:

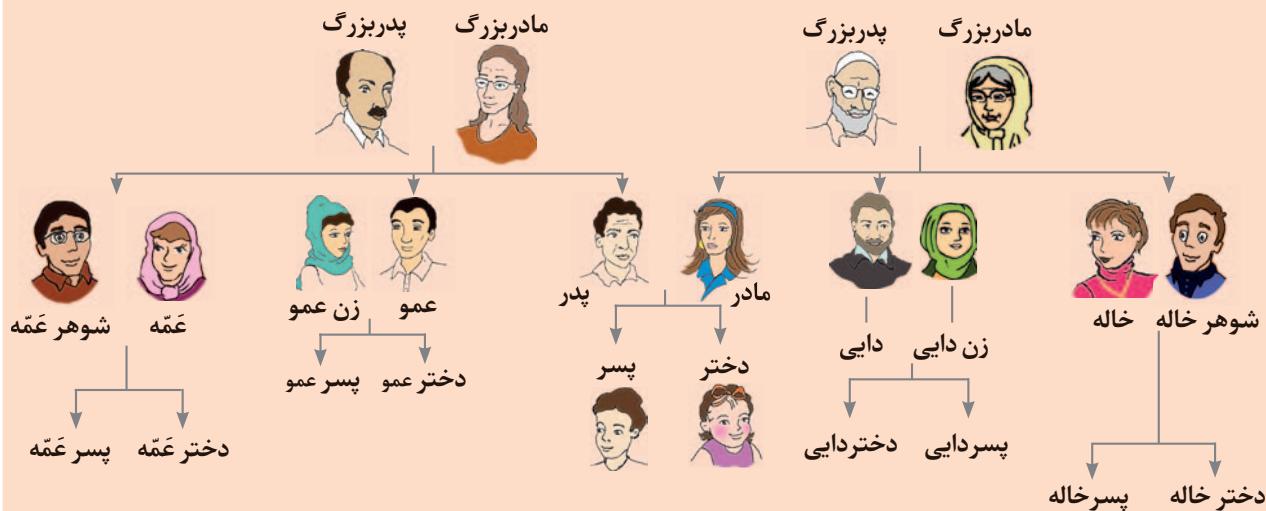
Student 1 (*book open*): من در خانه‌ی بزرگی زندگی می‌کرم.

Student 2: (*book closed*): من در بزرگ‌ترین خانه زندگی می‌کرم.

Group 2	Group 1
۱. ما در کشور سردی زندگی می‌کنیم.	۱. این درس سخت است.
۲. شهر ما از شهر شما جنوبی‌تر است.	۲. شیراز آب و هوای خوبی دارد.
۳. فرش ابریشم گران‌تر است.	۳. من نمره‌ی بدی گرفتم.
۴. مینا دوستِ خوب من است.	۴. این شهر از آن شهر شلوغ‌تر است.
۵. تو از خواهرت بزرگ‌تر هستی؟	۵. به نظر تو ایران کشور خوبی است؟

بیشتر بدانیم

فامیل Extended Family



Other Family Members

Daughter in law/Bride	عروس	Brother's child	برادرزاده
Wife's mother	مادر زن	Husband's father	پدر شوهر
Husband's mother	مادر شوهر	Sister's child	خواهرزاده
Grandchild	نوه	Son in law/Groom	داماد


تمرین ۳۳

Prepare seven questions about your classmate's family to ask her/him. Write your findings in the form of a report (at home). Examples:

۱. تو چند تا دختر خاله داری؟
۲. نام بزرگ‌ترین عمومی تو چیست؟
۳. تو به فامیل پدرت نزدیکتری یا به فامیل مادرت؟
۴. چند وقت یکبار پدر بزرگ و مادر بزرگ را می بینی؟



تمرین ۳۴

Read the following paragraph from دایی جان ناپلئون, a popular novel by Iraj Pezeshkzad. Find three words that show family relationships. Underline the verbs in the simple past and past continuous forms. Underline the familiar words. Can you tell what this paragraph is about?

دایی جان ناپلئون

من یک روز گرم تابستان، دقیقاً یک سیزده مُرداد، حدود ساعت سه و ربع کم بعداز ظهر عاشق شدم. من که پسر آقا جان بودم، عاشق لیلی دختر دایی جان ناپلئون شدم.... لیلی دختر دایی جان و برادر کوچکش نیم ساعتی بود در باغ انتظار ما را می‌کشیدند. بین خانه‌های ما که در یک باغ بزرگ ساخته شده بود، دیواری وجود نداشت. مثل هر روز زیر سایه‌ی درخت گردوی بزرگ، بدون سر و صدا، مشغول بازی و صحبت شدیم. یکوقت نگاه من به نگاه لیلی افتاد. یک جفت چشم سیاه درشت به من نگاه می‌کرد...

ایرج پژوهشکزاد

تمرین ۳۵: واژگان

In each line, circle the word that does not match the rest:

شرق	جنوب	قطب	۱. شمال
دریاچه	کوه	خلیج	۲. دریا
بهار	پاییز	تابستان	۳. بارانی
مادرشوهر	پسرخاله	عمو	۴. داماد
بارانی	برفی	آبی	۵. ابری
جنوب غربی	تعطیل	مسافرت	۶. سفر
همسایگان	اروپا	استرالیا	۷. آفریقا
خوش گذشت	پس پریروز	دورهم جمع می‌شدیم	۸. یادش به خیر



REVIEW CORNER

Points that remain unclear about Lesson 6:

How I plan to work on these points:

شعر



Read the following poem by Hamid Mosaddegh and try to find the familiar words. Underline the verbs in the simple past tense and past continuous tense. You will not be evaluated on the content but you can use it for cultural enrichment.

در آمد



تو به من خنديدي
و نمي دانستي
من به چه دلهره از باعچه همسياه
سيب را دزدیدم
باغبان از پي من تند دويد
سيب را دست تو ديد
غضبه آلد به من کرد نگاه
سيب دندان زده از دست تو افتاد به خاك
و تو رفتی و هنوز
سالهاست که در گوش من آرام آرام
خش خش گام تو تکرار کنان
می دهد آرام
و من اندیشه کنان غرق این پندارم
که چرا باعچه کوچک ما سيب نداشت

شاعر: حمید مصدق (۱۹۹۸-۱۹۴۰)



ترانه



Listen to the following song by Googoosh on YouTube and try to find the familiar words. Underline the verbs in the simple past tense and past continuous tense. You will not be evaluated on the content but you can use it for cultural enrichment.

دو ماهی



ما دو تا ماهی بودیم
توى دریای کبود
خالی از اشکای شور
از غم بود و نبود
پولکامون رنگارنگ
روزامون خوب و قشنگ
آسمونمون یکی
خونمنون یه قلوه سنگ

خندهمون موجارو تا ابرا می برد
وقتی دلگیر بودم اون غصه می خورد
تورای ماهیگیرا وا نمی شد
عاشقی تو دریا تنها نمی شد
خوابیمون مثل صدف
پر مروارید نور
پر شد این قصه‌ی ما
توى دریاهای دور

همیشه توک می زدیم
به حبابای درشت
تا که مرغ ماهی خوار
اومندو جفتمو کشت
دلش آتیش بگیره
دل اون خونه خراب
دیگه نوبت منه
سایه‌ش افتاده رو آب ...

خواننده: گوگوش



نکته‌ی فرهنگی

Iran's Ancient Sites:

Iran has one of the world's oldest major civilizations which dates back to 4000 BC. The ruins of many ancient sites still stand around the country. Below are a few examples:

Chogha Zanbil (چغازنبیل) is an ancient Elamite complex in the province of Khuzestan (خوزستان). It is considered the best preserved ziggurat in the world. Chogha Zanbil lies 42 km southwest of Dezful (دزفول), 30 km west of Susa (شوش), and 80 km north of Ahvaz (آهواز). It was built around 1250 BC by King Untash-Napirisha, to honor the great god Inshushinak. Chogha Zanbil is the first Iranian site to be inscribed on the UNESCO World Heritage List.



Persepolis (پرسپولیس) or (تخت جمشید) was the ceremonial capital and one of the four capitals of the Achaemenid Empire (امپراتوری هخامنشی). Persepolis is located in the province of Fars (فارس) and lies 70 km northeast of Shiraz (شیراز). The construction of Persepolis was ordered by Cyrus the Great (کوروش بزرگ) around 515 BC and it was completed by subsequent kings. The majestic halls, Gate of Nations, monumental stairways, throne rooms (Apadana), reception rooms, and annex buildings were immaculately designed to celebrate especial events and festivals especially the Nowruz (نوروز) about which we will learn more in Lesson 8. Persepolis, the magnificent symbol of the Achaemenid Empire, was looted and burnt by Alexander the Great's troops in 330 BC. UNESCO declared Persepolis a World Heritage Site in 1979.





Bisotun (بیستون) is an archeological site located in the province of Kermanshah (کرمانشاه), near the city of Kermanshah (کرمانشاه) in western Iran. Bisotun features remains from prehistoric times to the Median, Achaemenid, Sassanian, and Ilkhanid periods. The main monument is the bas-relief and cuneiform inscription ordered by Darius the Great (داریوش بزرگ) around 521 BC. The inscription portrays Darius holding a bow, as a sign of sovereignty, and treading on the chest of a figure who lies on his back before him. Faravahar (فروهر) floats above, giving blessings to the king. Below and around the bas-reliefs, there are approximately 1,200 lines of inscriptions telling the story of Darius's battles in three languages.



ضرب المثل

Literal translation: *Mountains cannot reach one another, but people can!* کوه به کوه نمی رسه. آدم به آدم می رسه! (It's a small world!)

This proverb means that a mountain with all its greatness cannot reach another mountain, but people can! So be mindful of your actions to others.



Thematic Review of New Vocabulary

Geography	
Province	استان
Capital city	پایتخت
Caspian	خَرَز
Gulf	خَلِيج
Sea	دریا
Lake	دریاچه
Mountain range	رشته کوه
River	رود
Continent	قاره
Peak	قُله
Country	کشور
Desert	گویر
Provincial capital	مرکز استان
Map	نقشه
Neighbor(s)	همسایه – همسایگان

Nouns & Adjectives	
Tomb	آرامگاه
Man (slang)	بابا
Previous	پیش
Off/Not working	تعطیل
Lonely	تَنْهَا
Famous Persian poet	حافظ
Famous Persian poet	سعدی
Travel/Trip	سفر
Month/Moon	ماه
Travel/Trip	مسافرت

Weather	
Weather/Climate	آب و هوای
Cloudy	ابری
Sunny	آفتابی
Rainy	بارانی
Snowy	برفی
Cold	سرد
Warm/Hot	گرم
Mild	مُلایم
Air/Weather forecast	هوا

Comparative & Superlative Adjectives	
Worse	بَدْتر
The worst	بَدْترین
More	بَيْشَر
The most	بَيْشَرِين
The oldest	پَيْرَتِين
More tired	خَسْتَه تر
More beautiful	زَيَّاتَر
The most beautiful	زَيَّاتِرِين
More beautiful	قَشْنَگ تر
The most beautiful	قَشْنَگ ترِين



About Continents	
Europe	أُرُوپا
Australia	أُسْتُرالِيا
Asia	آسِيَا
Africa	آفْرِيْقا
America	آمِريِّكا
Antarctica	قُطْبِ جُنُوب

Seasons	
Spring	بَهَار
Fall/Autumn	پَایِيز
Summer	تَابِستَان
Winter	زِمِستان

Prepositions	
Next/Afterwards/Then	بَعْد
Or	يَا

Adverbs of Time	
Today	إِمْرُوز
Tonight	إِمْشَب
The day before yesterday	پَرِيرُوز
The night before last	پَرِيشَب
Two days before yesterday	پَسْ پَرِيرُوز
Two nights before last	پَسْ پَرِيشَب
The day after tomorrow	پَسْ فَرْدا
The night after tomorrow night	پَسْ فَرْدا شَب
Now	حَالًا
Yesterday	دِيروز
Last night	دِيشَب
Tomorrow	فَرْدا
Tomorrow night	فَرْدا شَب
Previously	قَبْلًا
Past/Previous	گُذَشْتَه

Words & Expressions	
Those times/days	آن وَقْتُهَا
Suffix to count how many times	بَار
In my opinion	بِهِ نَظِرٍ مِنْ
Entire/All	تَمَام
You were missed	جَائِيَتْ خَالِي
What's up?	چَهْ خَبْر؟
What did you do?	چَهْ كَارْ كَرْدَى؟
Had a good time	خُوشْ گَذَشْتَ
I fell in love with ...	عَاشِقٍ شُدَم
Near each other	نَزَدِيْكِ هَم
Really	وَاقِعًا
When (in declarative sentence)	وَقْتِي
Each one/Anyone	هَرَكَسِي
Also	هَم
All	هَمَه
Good old days	يَا دَاشْ بِهِ خَيْر



Directions	
South	جنوب
South East	جنوب شرقى
South West	جنوب غربى
East	شرق
North	شمال
North East	شمال شرقى
North West	شمال غربى
West	غرب

Verbs & Phrases	
I was	بودم (بودن: هست)
They were	بودند (بودن: هست)
You were	بودى (بودن: هست)
We used to get together	دورهم جمع مى شدیم (شدن: شو)
You liked	دوست داشتی (داشت: دار)
I saw	دیدم (دیدن: بین)
You saw	دیدی (دیدن: بین)
They went	رفتند (رفتن: رو)
S/he used to live	زندگی مى کرد (کردن: کن)
I used to think	فکر مى کردم (کردن: کن)
Is located	قرار دارد (داشت: دار)
You stayed	ماندی (ماندن: مان)
We used to laugh	مى خندهدیم (خندیدن: خند)
S/he used to see	مى دیدیم (دیدن: بین)
We used to talk/say	مى گفتیم (گفتن: گو)
Name! (Plural)	نام بپرید (بردن: بر)
They did not go	نرفتند (رفتن: رو)

Extended Family	
Grandpa	بابا بزرگ
Brother's child	برادرزاده
Grandfather	پدر بزرگ
Grandparents	پدر بزرگ و مادر بزرگ
Husband's father	پدر شوهر
Maternal aunt's son	پسر خاله
Paternal aunt's son	پسر عمه
Maternal uncle's son	پسر دایی
Paternal uncle's son	پسر عممو
Maternal aunt	خاله
Sister's child	خواهرزاده
Son in law/Groom	داماد
Maternal uncle	دایی
Daughter of maternal aunt	دختر خاله
Daughter of paternal aunt	دختر عمه
Daughter of maternal uncle	دختر دایی
Daughter of paternal uncle	دختر عممو
Daughter in law/Bride	عروس
Paternal aunt	عممه
Paternal uncle	عمو
Extended family	فamilی
Grandmother	مادر بزرگ
Wife's mother	مادر زن
Husband's mother	مادر شوهر
Grandma	مامان بزرگ
Grandchild	نوه